



در جاهای خالی کلمه های مناسب بنویس .

در جنگلی زیبا که پرنده ی دانای بود ، زندگی می کرد .

یک روز و دو پرنده ای که هم بودند . تصمیم ،

پیش او بروند . وقتی به رسیدند به او گفتند : « ما غیر از بازی

چیزهای دیگری مثل بیاموزیم . » دارکوب که به آن ها گوش می کرد

با خوش حالی گفت : « بسیار خوب ، اما باید سال ها کنید . »

..... سال گذشت ، نوشا گفت : من دیگر از خسته شده ام . پرواز کرد و

رفت . نوشا از خواست پاکیزه بودن ، ، و مهربانی را به او

یاد بدهد . ولی هنوز دو سال بود که باز هم خسته شد و از آن جا هم رفت . مدتی

پرواز کرد تا به رسید و از او خواست خوب را به او یاد بدهد .

طوطی گفت : تو اول باید خوب و خوب را یاد بگیری .

پس از مدتی نوشا باز هم از آموختن شد و گرفت پیش پدر و مادرش

برگردد .

وقتی به برگشت ، کوشا را دید که پرنده ای دانا شده بود .

*** من از درس کوشا و نوشا نتیجه گرفتم :

.....

خدا یارت